

قطعه‌نامه های کنگره سوم

درباره جنبش دانشجویان و جوانان!

جامعه ایران یک جامعه جوان است. بیش از ۶۰ درصد از جمعیت ۷۰ میلیونی آنرا افرادی در سنین ۳۰ به پایین تشکیل میدهند. اکثر این جوانان فرزندان طبقه کارگر و اقشار پایین جامعه هستند که در کارخانه‌ها، مزارع، مدارس، دانشگاه‌ها و ادارات و مشاغل دیگر کار ویا تحصیل میکنند و یا در ابعادی میلیونی جزو ذخیره ارتش کار محسوب میشوند. زندگی، مطالبات، مبارزات و آمل و آرزوهای اکثریت نسل جوان ما با مبارزات مطالبات طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه ما پیوندی ناگسستنی دارد، از تحولات در زندگی و افت و خیز در مبارزه کارگران تاثیر میپذیرند. جوانان و جنبش دانشجویی نیز بناگزییر از این امر مستثنی نبوده است و در سالهای اخیر به همراه تعرض به سطح معیشت کارگران وضعیت زندگی این محرومان جامعه نیز تقلیل یافته و به موازات سرکوب مبارزات کارگران فشار و خفقان و سرکوب در مدارس و دانشگاه‌ها نیز افزایش یافته و هنگام اوج‌گیری مبارزات کارگری و شکستن توهامات اولیه به رژیم، در میان دانشجویان نیز شکاف در دو جهت مبارزه با ارتجاع حاکم و تمکین به آن روشن‌تر شده است.

نظر به اینکه: جنبش دانشجویی بعد از سالها گرفتارشدن در چنبره بورژوازی و دنباله‌روی از جناح‌های رژیم حاکم به سمت استقلال و رادیکال شدن پیش میرود،

نظر به اینکه جنبش دانشجویی طی سالهای اخیر درجهت پیوند با طبقه کارگر حرکت کرده است و به حمایت از مبارزات طبقه کارگر برخاسته است.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست از چنین جهت‌گیری در جنبش دانشجویی و گسترش مبارزات و فعالیت‌های انقلابی آنان حمایت میکند و از فعالین خود میخواهد با کوشش‌های این دانشجویان در جهت متمایز کردن صف خود از گرایش‌های ضدآزادی و طرفدار رژیم ارتجاعی حاکم و پیشروی به سمت پیوند با طبقه کارگر همگام شوند.

کنگره سازمان به تمام دانشجویان توصیه میکند که شکاف بین جنبش دانشجویی و جنبش سوسیالیستی و کارگری را که خواست باندهای سیاه سرمایه و سرکوب است پر کنند با ایجاد محفل‌های مطالعاتی به گسترش ایده‌های سوسیالیستی در جنبش دانشجویی و کارگری یاری رسانند.

دانشجویان باید تلاش کنند دانش کاملی از ساختار جامعه از سوسیالیسم، لیبرالیسم و انواع دیگر گرایش‌های فکری و سیاسی که درمقابل هم قرار میگیرند کسب کنند و به همراه کارگران پیشرو در ایجاد محفل‌های مطالعاتی برای کارگران یاری رسانند و با گرفتن ارتباط با کمیته‌های سازمان با آنها هماهنگ شده و از تجربیات آنها استفاده کنند.

قطعه‌نامه در برخورد به اپوزیسیون

کنگره سوم بار دیگر تاکید میکند و نیز مقرر میدارد که سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بعنوان سازمان مستقل سیاسی کارگری با حرکت از این اصل برنامه‌ای که از هر جنبش انقلابی در راستای آزادی و سوسیالیسم حمایت میکند حاضر

است از همه مبارزین و مخالفین رژیم ارتجاعی حاکم حمایت و از آنها پشتیبانی بکند و حتی درمواقع لزوم دست به اتحاد عمل‌هایی هم بزند به شرطی که این مخالفان و مبارزان بطور صریح و روشن اعلام کنند که در مبارزه‌شان علیه حکومت مذهبی حاکم درکنار طبقه کارگر هستند و از مبارزات و مطالبات آنها پشتیبانی میکنند.

۲- در برنامه مبارزاتی خود خواسته‌هایی که مخالف منافع طبقه کارگر است ننگجانند

۳- درمورد دموکراسی پیگیر بوده و از حقوق برابری زنان، کودکان، حق ملیت‌های تحت ستم برای تعیین سرنوشت خود تزلزل نشان ندهند با تمامی مظاهر ظلم و ستم و زندان و شکنجه و اعدام از جمله حمله به اعتراضات کارگران و سرکوب و زندانی کردن آنها به مخالفت برخاسته و با عوامل آن مبارزه کنند

درباره وحدت حزبی

نظر باینکه متحد شدن همه کمونیستها و تلاش در راه تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگر از اهداف اولیه سازمان ما محسوب میگردد و نظر به تلاشهای تا کنونی سازمان،

کنگره سوم تاکیدا رهبری سازمان را موظف میسازد که بر اساس معیارهای تعیین شده درکنگره دوم، به کوشش خود در جهت وحدت گروهها، احزاب و جریاناتی که حقیقتا از فرقه‌گرایی دست برداشته و رفع پراکندگی موجود را اقدامی موثر در عرصه نبرد طبقاتی میدانند، ادامه دهد.

علاوه بر آن کنگره سوم ضمن محکوم نمودن تبلیغات تفرقه افکنانه و انحلال طلبانه در صفوف کمونیستها، همه سازمانها و گروههای کمونیستی را به وارد شدن در پروژه اصولی اتحاد و رفع پراکندگی فرا میخواند و بویژه از همه فداییان و کارگران کمونیست و سایر کمونیستها دعوت میکند با پیوستن به سازمان اتحاد فداییان کمونیست ما را درامر پیشبرد مبارزه یاری رسانده و در پی‌ریزی حزب طبقاتی خود مشارکت کنند.

قطعنامه درباره ترویج

نظر باینکه رشد جنبش کارگری از رشد کارگران کمونیست و آگاه به منافع طبقاتی خود جلوتر است

نظرباینکه در نتیجه سالها خفقان و سرکوب و کشتار و تبعید کار ترویجی انجام نشده است و یا بسیار ناچیز بوده و با افت شدیدی مواجه بوده است.

نظر باینکه رشد کادرهای کمونیست و کارگری برای پیروزی مبارزه طبقاتی پرولتاریا از ضرورت‌های اولیه محسوب میشود

کنگره رهبری سازمان را موظف میسازد برنامه معینی را جهت تربیت مبلغ و مروج تنظیم کرده و درحد توان خود تلاش کند که مساله آموزش سوسیالیسم علمی بمثابه نیاز فوری جنبش کارگری در محافل کارگران پیشرو و رهبران عملی جنبش کارگری به امری واجب و جاری تبدیل شود.

قطعنامه درباره مطبوعات سازمان

نظر به گسترش جنبش کارگری و آگاهی توده‌های مردم به ضرورت دگرگونی در ساختار سیاسی و اقتصادی جامعه، ضروریست تا طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه از اهداف کوتاه مدت و بلند مدت خود درک روشنی داشته باشند. کنگره بر ضرورت گسترش انتشار مطبوعاتی که برای خوانندگان بیشتری قابل فهم بوده و در آنها مواضع سازمان بشکل ساده و به زبان محلی منتشر شود تاکید می‌ورزد.

کمیته‌های محلی در صورت توانایی باید نشریات محلی ایجاد کنند و در این نشریات به آن نیازمندیهای طبقه کارگر و زحمتکشان بپردازند که نشریات مرکزی قادر به انجامش نیستند. در عین حال از نشریات مترقی و دموکراتی که از موضع طبقه کارگر دفاع میکنند، پشتیبانی شود.

در این نشریات ضروریست بیشترین جا برای انعکاس زندگی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی توده‌های کارگر و زحمتکش اختصاص یابند. در این خصوص استفاده مناسب از فرهنگ و هنر مترقی و انقلابی مردمی، ضرب‌المثلها، و نیز انعکاس نظرات خوانندگان و وقایع مهمی که در گوشه و کنار زندگی توده‌ها اتفاق می‌افتد کمک میکند تا سطح آگاهی و همبستگی مردم بالا رفته و مطبوعات سازمان را از آن خودشان بدانند.

نشریه مرکزی کارکمونستی عمده امکانات خود را به تجزیه و تحلیل اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ترویج برنامه و تاکتیکهای سازمان اختصاص میدهد تا تجزیه و تحلیل مسایل جاری و تبلیغ و ترویج مواضع سازمان برای فعالین سازمان در کمیته‌ها و غیره آسانتر شود

درباره ضرورت تحریم مقامات محلی و جایگزینی آنها با نهاد های شورایی

نظر به اینکه در نتیجه تغییر و تحولات سالهای اخیر اکنون و در مقطع فعلی بجز فرماندهان، سپاه، بسیج، ارتش و دیگر نهادهای سرکوبگر و سرمایه‌داران و تجار که بواسطه این حکومت به تشدید استثمار و چپاول مردم مشغولند و امپریالیستهایی که به سازش با این نظام ارتجاعی و بمنظور غارت و چپاول منابع طبیعی و استثمار نیروی کار کشور علاقمندند کسی در کنار این رژیم باقی نمانده است، آنها بیشتر از نیروی‌های فرصت‌طلب و دنباله‌رو بمثابه نیروی ذخیره و عامل فریب مردم استفاده میکنند.

نظر باینکه در نتیجه سرکوب و خفقان از یکسو و نبود تشکل و آگاهی و بالنتیجه فقدان آلترناتیو انقلابی مورد قبول و وثوق مردم از سوی دیگر نه تنها خطر انفعال و تمکین به وضعیت موجود را بین توده‌های مردم افزایش داده است، بلکه خطر دنباله‌روی از جریانات ضددموکراتیک را نیز بیش از پیش تشدید میکند.

نظر باینکه صرف نظر از تغییراتی در ترکیب دولت و ارگانهای مقننه رژیم تداوم سیاست‌های کنونی دولت بویژه در مورد پیاده کردن سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، گسترش اخراجها، پایین نگه داشتن دستمزدها، ادامه سرکوب و... ممکن‌ترین سیاست در آینده خواهد بود لذا گسترش مبارزات طبقه کارگر و سیاست سرکوبگرانه رژیم برخورد بین کارگران و توده‌های مردم با رژیم حاکم و مافیای قدرت و ثروت را تشدید خواهد کرد.

گسترش این مبارزات بیش از پیش این زمینه را بوجود خواهد آورد که کارگران و مردم زحمتکش به این امر واقف شوند که خواست‌های اقتصادی، سیاسی و رفاهی آنها و نیز خواست‌های مربوط به آزادیهای دموکراتیک و رهایی کامل از

وضعیت اسارت‌بار کنونی تنها از طریق متشکل شدن در تشکلهای مستقلی نظیر کمیته‌ها و شوراهای و انجمنها قابل تحقق خواهد بود.

تبلیغات گسترده‌ای باید صورت گیرد تا با گسترش اعتصابات و در زمان فراهم شدن شرایط اعتلای انقلابی و خیزشهای توده‌ای علیه مافیای قدرت و ثروت تحریم مقامات محلی با جایگزینی نهادهای شورایی جدید و انتخابی نظیر شوراهای و انجمن‌های ایالتی و ولایتی به برنامه عملی طبقه کارگر و توده‌ها تبدیل شود.

در جریان مبارزات روزمره باید آگاهی به لزوم تشکل و توانایی طبقه کارگر برای برچیدن بساط حکومت ارتجاعی از طریق اعتصاب عمومی و قیام مسلحانه و انتقال قدرت به شوراهای در تبلیغات مدنظر قرار گیرد.

اکنون با وجود نفرت اکثریت مردم بویژه طبقه کارگر از رژیم حاکم و وجود بحرانهای متعدد سیاسی در درون آن اما هنوز تا فراهم شدن موقعیت انقلابی راه درازی در پیش است. اما این به این مفهوم نیست که هر جرقه‌ای ممکن است به آتش‌فشانی از خشم توده‌ها تبدیل شود. لذا کمیته‌های سازمانی ما ضمن درگیر شدن در تمام جلوه‌های زندگی سیاسی و اقتصادی طبقه کارگر و توده‌های مردم باید از هم اکنون تبلیغات انقلابی برای جا انداختن شعارهای فوق در بین عموم کارگران، لایه‌های خرده بورژوازی، کشاورزان و سربازان را در دستور قرار دهد.

درباره مبارزات اقتصادی کارگران

نظر باینکه مبارزه صنفی و اقتصادی کارگران نتیجه مستقیم وضعیت کارگر در نظام سرمایه‌داریست و این مبارزه کارگران یکی از اشکال مبارزاتی است که بر علیه استثمار بیشتر و کاهش سطح زندگی کارگران انجام می‌گیرد نظر باینکه کارگران ایران فاقد تشکل مستقل خود بوده و بدون تشکل و اتحاد کارگران مبارزات آنها به نتیجه نمی‌رسد نظر باینکه در پی طرد و رسوا شدن تشکیلات‌های دست‌ساخته رژیم نظیر شوراهای و انجمنهای اسلامی دولت و طبقه سرمایه‌دار در صدداند تا تشکیلات‌های زرد و ارتجاعی دیگری را به کارگران تحمیل کرده و کنترل مبارزات اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر را در دست گیرند و آنها را از مسیر اصلی اش منحرف کند.

نظر باینکه سیاست‌های عوام‌فریبانه رژیم به رشد گرایش‌های محافظه‌کارانه در بخشی از محافل کارگری دامن زده است نظر باینکه مبارزات اقتصادی و رفاهی کارگران بدلیل اختناق حاکم همواره با مبارزات سیاسی برای آزادی توأم بوده و به سمت خارج شدن از چارچوبهای قوانین حاکم در حرکت است نظر باینکه مبارزات کارگران هم اکنون در سطح کارخانه‌های بزرگ به اشکال مختلف جریان دارد ولی بشدت پراکنده و فاقد سازماندهی و شعارها و مطالبات سراسری است

لذا بنظر ما مناسب‌ترین اقدام در برابر عوام‌فریبیهای رژیم و تشکلهای ارتجاعی و ضدکارگری سازماندهی فوری کمیته‌های کارخانه بویژه در واحدهای بحرانی و تماس و رابطه ارگانیک این کمیته‌ها در سطح سراسری و سازماندهی شورای کمیته‌های کارخانه و تدوین خواست‌ها و شعارهای سراسری کارگران و هدایت مبارزات آنان توسط این کمیته‌هاست کمیته‌های کارخانه در شرایط اعتلای انقلابی به سازماندهی شوراهای و در شرایط رکود به ایجاد تشکلهای اقتصادی و صنفی

مستقل دست میزنند این تشکل مناسب‌ترین شکل تشکل کارگران با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه است که هم اکنون هر چند موقتی ولی در هنگام بروز بحران و اعتصابات و اعتراضات در اغلب کارخانه‌ها و مراکز کارگری تشکیل میشود.

درباره اتحاد چپ کارگری و اتحاد انقلابی

سازمان در بنیانگذاری و شکل‌گیری و تداوم هر دوی این اتحادها نقشی مهم برعهده داشته است، در پیگیری این اتحادها که بنوبه خود نیروی زیادی از ما گرفته است راهنمای رهبری سازمان مصوبات کنگره دوم درباره اتحادهای طبقاتی و نیز ضروریات ناشی از وضعیت مشخص جنبش تشکیل میدهد و معطوف به وضعیت و موقعیت گروه‌های اجتماعی جامعه است.

اتحاد چپ کارگری نزدیک به ده سال است که تشکیل شده و اتحاد انقلابی در سال گذشته اعلام موجودیت نموده است. هدف ما از شرکت در این اتحادها علاوه بر ایجاد زمینه مناسب برای رفع پراکندگی و تشتت در میان کمونیستها و امکان عملی وحدت‌های حزبی، همچنین ناظر بر سازماندهی اتحادهای اجتماعی در درون جامعه بوده است که از نیاز مبرم شرایط فعلی جامعه ناشی میشود، اما احزاب و سازمانها در شرایط فعلی بطور دقیق منافع طبقاتی را که مدعی نمایندگی آن هستند بیان نمیکنند، مناسبات بین احزاب و جریانات داخل اتحادها همسان با مناسبات گروه‌های اجتماعی در جامعه نیست. علاوه بر آن حضور نیروهای این جریانات در خارج کشور و عدم پیوند ارگانیک خواستها مطالبات و مبارزات طبقاتی اینها با محتوای برنامه‌ای که برای جامعه ایران تدوین شده موقعیت ویژه‌ای بوجود آورده است که امکان اجرای برنامه‌های اعلام شده نظیر فعالیت برای سازماندهی در داخل و غیره را بامانع متعددی مواجه میسازد.

و دلایل متعدد دیگری که تاکنون مانع تحقق آن اهدافی بوده است که ما از این اتحادها مد نظر داشته‌ایم و درعین حال این اتحادها در زمینه همکاریهای مشترک دست آوردهای زیادی هم به همراه داشته است که در شرایط دیگری که گسترش فعالیت در داخل امکان‌پذیر گردد، این فعالیت‌های مشترک و محدود فعلی میتواند به اتحاد در پایین و بسیج نیرو منجر گردد.

از اینرو ماندن و یا نماندن در این اتحادها به عوامل متعددی بستگی دارد که علاوه بر تحولات سیاسی به این هم مربوط میشود که افراد و جریانات متحد تا چه حد از پختگی و درک شرایط برخوردار بوده و به تلاش برای خلاص شدن از وضعیت موجود همت گمارند، ابتکار عمل و آمادگی داشته باشند. فی نفسه هیچ دلیل موجهی برای خروج ما از این اتحادها وجود ندارد باید به تحکیم و گسترش این اتحادها در راستای استراتژی طبقه کارگر کمک کرده و به روندهای مثبت آینده که این اتحادها میتوانند نقش موثری در جنبش بازی بکنند امیدوار بود.

از اینرو ادامه حضور و یا خروج از هرکدام از این اتحادها بر عهده رهبری آینده سازمان گذاشته میشود تا در صورت لزوم با تحلیل مشخص و چشم‌اندازی روشن و دلایلی مستدل در این باره تصمیم بگیرد.

قطعه‌نامه در باره جنبش زنان

نظر به اینکه حاکمیت جمهوری اسلامی از ابتدای به قدرت رسیدن خود در راستای سرکوب حقوق زنان حرکت کرده است، و با سلب اختیار زنان از امور مربوط به زندگی آنان خوراک، پوشاک، کار، خواب، معاشرت و حتی جنسیت آنان را به امری دولتی تبدیل کرده‌اند که تصمیم‌گیری نسبت به آنها در اختیار مراجعی است که دست زنان از آنان کوتاه است. نظر به اینکه جمهوری اسلامی از حضور فرهنگ مردسالارانه در میان اقشار مختلف اجتماعی بهره جسته است، تا این سیاست را در تمام صحنه‌های اجتماعی اقتصادی و سیاسی به امری طبیعی تبدیل کرده و عادی جلوه دهد. نظر به اینکه اصلاحاتی که رژیم جمهوری اسلامی در مورد احقاق حقوق زنان وعده داده بود از آنجا که با برنامه تعدیل ساختاری سرمایه‌داری دیکته شده توسط بانک جهانی تلفیق شد نه تنها به دستیابی حقوق زنان خدمتی نکرد، بلکه تنها به گسترش فحشا و علنی شدن آن و رانده شدن بخش هر چه وسیعتری از زنان به این «صنعت» منتهی شد. نظر به اینکه جنبش سوسیالیستی موظف است در مقابل استثمار مضاعف زنان به سازماندهی پرداخته و با علم به این واقعیت که مبارزه با ستم طبقاتی و مبارزه با ستم جنسی آنچنان در هم تنیده شده‌اند که پیشبرد هیچ‌یک بدون دیگری ممکن نیست.

از این رو سازمان ما خود را موظف می‌داند که در تقویت سازمانهای زنان و در جهت مبارزه با تفکر مردسالارانه در سطح جامعه حرکت کرده و نیز در جهت زدودن بازمونده‌های این تفکر در سطح جنبش چپ که در دوره تسلط پوپولیسم از مبارزه با آن کوتاهی شده بود، اقدامات معینی را در دستور فعالیت خود قرار داده و با تشویق بحث نظری در این رابطه به شکل ریشه‌ای با حضور جلوه‌های مردسالاری در سطح جنبش چپ برخورد کند.